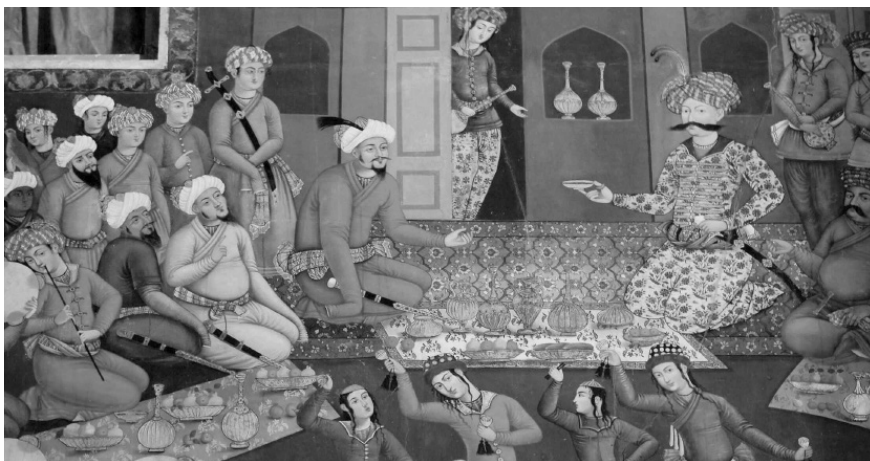


درآمدی بر صنعت بافندگی یزد در عصر صفوی بخش اول

تاریخ نساجی

علی اکبر تشکری بافقی / استادیار گروه تاریخ دانشگاه یزد



چکیده:

با تأسیس سلسله صفوی، اتحاد سیاسی کشور و رونق تجارت و امنیت جاده‌ها، بازرگانی و تا حدی صنایع پیشه‌وری به ویژه در ربع اوایل قرن یازدهم گسترش یافت همگام با حمایت سلاطین از منسوجات پارچه‌ای، این صنعت به تدریج به اوج اعتلای خود در تاریخ ایران نایل گردید. در این میان، یزد (که قدمتش در بافت انواع پارچه‌های مرغوب، به روزگاران اولیه اسلامی می‌رسید و از دوره ایلخانان به بعد، نام آن در کنار چند مرکز مهم پارچه بافی ایران شهرت یافته بود) به چنان جایگاهی رسید که مأموری با عنوان «کرک‌پراق»، مسئول تهیه پارچه‌های مورد نیاز دربار از این شهر شد.

حمایت حکومت مرکزی از کارگاه‌های نساجی موجب رونق اشتغال در صنعت نساجی شد و طراح برجسته‌ای همچون غیاث‌الدین یزدی که در تاریخ نساجی ایران بدیل نداشت، ظهور یافت. وی با عزیمت به اصفهان و ریاست بر کارگاه‌های سلطنتی به عنوان برجسته‌ترین طراح پارچه در تاریخ نساجی ایران شهرت یافت.

در عصر صفوی دو ابتکار فنی در طراحی و بافت پارچه چندتایی و مخمل رخ داد که وی پرچمدار و برجسته‌ترین استاد هر دوی آنها بود.

۱- مقدمه

یزد شهری است در قلب کویر که گرداگرد آن را ریگ‌های روان و صحرای لم‌بزرع احاطه کرده است و مردمانش طی قرن‌ها مبارزه و سازش با این طبیعت، موجودیت خود را حفظ کرده‌اند. گرچه در تاریخ ایران، بعد مسافت از کانون‌های اصلی قدرت، روند تحولات سیاسی و اجتماعی این شهر را کند می‌ساخت، به عوض، آن را از آرامش و امنیتی بهره‌مند می‌ساخت که لازمه رشد تجاری و صنعتی بود.

از سوی دیگر، همگام با هدایت بخش کشاورزی به تولید محصولاتی با ارزش تجاری و صنعتی، موقعیت مواصلاتی یزد نیز عاملی در تسریع ورود مواد خام و صدور کالاهای صنعتی بود. بنابراین، با توجه به جایگاه برجسته نساجی در تمدن ایرانی، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با تکیه بر اعتلای این صنعت در عصر صفوی، جایگاه و سهم یزد را در این فرایند با محوریت برجستگی منسوجات

پارچه‌ای آن در دربارهای ایران و سایر ملل، و سبک خاص و مهارت بافندگان آن، بررسی نماید.

۲- بالندگی نساجی در ایران عصر صفوی

بر مبنای آثار و اسناد بازمانده، میراث نساجی ایرانیان از روزگار باستان به دوران اسلامی منتقل شده است. از حیث طرح و نقش پارچه، به کارگیری نقش‌های گیاهی در اواخر دوره سلاجقه بزرگ، الگوهای ساسانی را کنار زدند و طی قرون ۸-۷ با اسکان بافندگان و ورود آثار نقاشان چینی به دست مغولان، این روند رو به تکامل نهاد.

در دوره تیموریان نیز فزونی غنا و گیرایی در ترکیب طرح‌ها، عملاً بستری فراهم ساخت تا این دستاورد کهن به نسلان عصر صفوی انتقال یابد.

با تأسیس سلسله صفوی و اتحاد سیاسی کشور، بازرگانی و تا حدی صنایع پیشه‌وری به‌ویژه در ربع اوایل قرن یازدهم، گسترش یافت. با رشد شهرنشینی، اکثر پیشه‌وران به بافندگی و رنگرزی

شهر یزد نیز همپای مناطقی نظیر خراسان و سمرقند به یکی از مراکز معتبر ابریشم بافی ایران نامدار گردید.

در این مقطع، یزد با برقراری ارتباط تجاری با گیلان از طریق استرآباد برای وارد کردن ابریشم، کاشت انبوه درخت توت، تولید ابریشم و انواع پارچه‌های ابریشمی، پنبه‌ای، تافته کرپ نیز دیگر بافته‌های متنوع ابریشمی به چنان موقعیتی دست یافت که پارچه‌های تولیدی آن را به «هند و جغتای و چین و ماچین و بخشی از ختا و بروسه و ترکستان» صادر می‌کردند. همچنین شهرت زربفت‌های یزدی و پارچه‌هایی از ابریشم خالص، باعث شهرت یزد به‌عنوان یکی از معتبرترین مناطق زری بافی ایران گردید.

۴- بالندگی نساجی یزد در عصر صفوی

به رغم آنکه در دوران صفوی حیات سیاسی یزد با رخدادهایی همچون شورش رئیس محمد کره، میرمیران و بکتاش‌خان در اواخر سلطنت محمد خدابنده و حملاتی چند از سوی ازبکان درآمیخت، در کل، دفع سریع این بحران‌ها و تبدیل چندین باره به ایالت خاصه، خود دلیلی است بر پایگاه سیاسی نبودن یزد در چهارچوب تحولات ایران.

به دیگر روی، جایگاه صنعت نساجی و موقعیت تجاری و جغرافیایی یزد در سرحدات عراق عجم، از مهم‌ترین عناصری بودند که سلاطین صفوی را به حفظ نظم و آرامش در آن فرا می‌خواند. بر این اساس، اهمیت نساجی یزد را می‌توان از زوایایی چند، مورد توجه قرار داد:

۴-۱ نقش تجار و حکومت در توسعه نساجی

بنا بر اطلاعات موجود، در روزگار صفوی، بافندگی یکی از مشاغل اصلی اهالی یزد بوده است.

گستره این شغل به حدی وسیع بود که اشاره جامع مفیدی به احداث بازار «علاقه‌بندان» برای عرضه انواع دستباف‌ها، ابریشم کلاف، نوار و زانوبند، شغل «شودمالی» که مربوط به آهار پارچه بوده و در اصطلاح محلی به شومالی معروف بود وجود عناوین خانوادگی نظیر: مخمل‌باف، نقش‌بند، علاقه‌بند، زری‌باف و حریرباف و هدایت کشاورزی

در بعد نخست، می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

* امنیت و ثبات نسبی در حیات سیاسی و اجتماعی، نه تنها در رشد تجارت و صنایع مهم می‌نمود، بلکه صنعتگران بسیاری را از دیگر مناطق به خود جذب می‌کرد.

* به‌رغم شرایط نامطلوب اقلیمی در تکیه اهالی به اقتصاد زراعی، موقعیت مواصلاتی و پیوند با حوزه‌های تجاری ایران، زمینه مساعدی را در گسترش تجارت و صنایع فراهم می‌آورد.

* با توجه به نبود تکافوی کشاورزی به عنوان اقتصاد برتر، فضای تجاری و صنعتی موجود، زارعان یزدی را به تربیت درختان توت برای تهیه ابریشم خام هدایت می‌کرد.

* یزد، نماد برجسته تمدن‌های کاریزی، حائز برجسته‌ترین ویژگی آن، یعنی توسعه صنایع دستی بود.

* بنا بر مقتضیات اقتصاد تجاری، وجود طبقه‌ای از تجار در منطقه، از دو سو به توسعه نساجی یاری می‌رساند:

الف- ورود مواد خام مورد نیاز از دیگر مناطق

ب- صدور منسوجات تولیدی

بر پایه شرایط یادشده، هرچند قدمت نساجی یزد را می‌توان تا قرون نخستین اسلامی از دوره ایلخانان به بعد، شاهد ترقی نام یزد در کنار چند مرکز مهم پارچه بافی ایران هستیم.

در واقع، به‌رغم موج تخریبی یورش مغولان، نه تنها یزد مورد تهاجم مستقیم قرار نگرفت، بلکه به واسطه امنیت نسبی، محل امنی برای بسیاری از اندیشمندان و دیگر گروه‌های اجتماعی نیز بود.

طی این فرایند، بعید نیست که به دنبال ویرانی مراکز عمده پارچه بافی، در زمره صنعتگران این مناطق، تعدادی از نساجان نیز به یزد مهاجرت کرده باشند.

بدین ترتیب، مطابق با اسناد موجود، یزد در دوره ایلخانان و متعاقب آن، آل مظفر، در ردیف شهرهایی چون تبریز، سلطانیه، کاشان و نیشابور، به یکی از مهم‌ترین مراکز بافندگی ایران خاصه منسوجات ابریشمی ارتقا یافت.

متعاقب با این دوران، در عصر تیموری نیز هرچند شرق ایران از حیث سیاسی و فرهنگی زبانزد بود،

روی آوردند و علاوه بر شاه، تجار و پیشه‌وران شهری و روستایی نیز در تولید و فروش بسیاری از فرآورده‌های پارچه‌ای سهیم شدند. بدین ترتیب، در تبدیل بافندگی به محور صنایع ایران و ارتقای بافندگان پارچه در ردیف قدرتمندترین اصناف زمان صفوی می‌توان عوامل چندی را دخیل دانست:

* حمایت سلاطینی چون شاه‌اسماعیل از تولید پارچه‌های ابریشمی و نخ و کنترل دقیق شاه عباس اول بر سازمان ابریشم بافی کشور

* فراوانی ابریشم و توجه شاهان صفوی به تجارت و کنترل سازمان خرید و فروش آن، خاصه در زمان شاه‌عباس اول

* اقبال شاهزادگان، اشراف و امرا به بافته‌های داخلی و استفاده از پارچه‌های گران‌بها در تزیین کاخ‌ها و چادرهای سفری

* حمایت شاه عباس اول از هنرمندان عالی قدری که به دلیل عدم تشویق و نداشتن امکانات، در گوشه انزوا به سر می‌بردند.

* امنیت و آسایش عمومی به‌ویژه در دوران شاه عباس اول که به همراه رونق تجاری، به ثروتمندی ایرانیان برای تهیه منسوجات گران قیمت منجر شد * تقلید متن جامعه از بزرگان و اشراف در نوع پوشش، تا حدی که دوته ونه می‌نویسد: «با آنکه رخت و لباس ایرانی‌ها خیلی خرج دارد، ولی باز ایشان پوشاک خود را زود به زود عوض می‌کنند در حالی که ترک‌ها لباس خود را چند سال می‌پوشند، ایرانی‌ها همین که لکه‌ای بر لباس آنها بیفتد، آن را کنار می‌گذارند.»

بدین ترتیب با افزایش تقاضا، کارگاه‌های سلطنتی برای تأمین احتیاجات دربار شاه بر کار خود افزودند و علاوه بر آن، مقدار عمده‌ای از تولیدات بافندگی آنها به بازارهای اروپا و روسیه حمل می‌شد.

۳- پیشینه نساجی در یزد تا عصر صفوی

از آنجا که در عصر صفوی نساجان یزدی میراث گذشته خود را به عالی‌ترین سطح ارتقا بخشیدند، پیش از بحث درباره ابعاد این شکوفایی، بررسی دو نکته اساسی ضروری است؛ عوامل مؤثر در اقبال و گسترش صنعت پارچه بافی در یزد و دوم سیر تاریخی این صنعت تا دوران صفوی.

به تولید بخشی از مواد خام مورد نیاز نساجی را می‌توان نمادهایی از برجستگی این صنعت به‌شمار آورد.

در این میان، نه‌تنها تجار یزدی نقش بارزی در تهیه ابریشم خام از نقاط دوردستی چون استرآباد و خراسان داشتند، بلکه نظارت و حمایت حکومت مرکزی از کارگاه‌های نساجی نیز نقش چشمگیری در تحریک اهالی به اشتغال در این صنعت داشت. در کنار نظارت مذکور، که حتی تطور و دگرگونی تولیدات را نیز شامل می‌شد و حکومت از طریق کارگاه‌های سلطنتی، نقوش طرح‌های مورد نظر را تأیید می‌کرد؛ عامل دیگر رشد نساجی را در یزد، خاصه در دوران شاه عباس اول، می‌توان به واسطه رونق تجارت و امنیت جاده‌ها دانست.

بر مبنای جایگاه تجاری و موقعیت مواصلاتی منطقه، تجار یزدی از دو سو به توسعه بافندگی یاری می‌رسانند: نخست تهیه مواد خام مورد نیاز و دیگری صدور و معرفی کالاهای تولیدی تجار ابریشم، مواد اولیه را در چرخه‌ای سنتی به توزیع‌کنندگان می‌فروختند و آنها این مواد را در اختیار صاحبان کارگاه‌ها قرار می‌دادند.

در هر کارگاه نیز تعدادی بافنده، حقوق خود را برحسب هر ذرع پارچه، دریافت می‌کردند و بدین ترتیب چرخه تاجر، توزیع‌کننده، صاحب کارگاه و بافنده، عمومی‌ترین ساختار اشتغال داخل شهر یزد را تشکیل می‌داد.

بدین ترتیب، در زمینه وجود شرایطی مطلوب جهت گرایش عمومی به بافندگی، نه‌تنها تولید انواع منسوجات برای طبقات مختلف اجتماعی رو به فزونی نهاد بلکه به واسطه مرغوبیت و مهارت بافندگان در تولید پارچه‌های زربفت، مخمل، اطلس، کمخا (نوعی جامه نفیس و منقش و یک‌رنگ) الجه (مخفف الاجه ترکی و جامه‌ای راه‌راه و رنگارنگ) سلاطین صفوی آنها را برای شاهان سایر ملل هدیه می‌فرستادند.

۴-۲- کرک‌پراقی و مال‌التجاره پارچه

در تذکره‌الملوک به هنگام بحث از وظایف مستوفیان و مشرفان، چهار مرتبه از اجناس ارسالی کرک‌پراقان سخن به میان آمده است.

مینورسکی-مستشرق روسی-وجه تسمیه این لغت ترکی را مرکب از دو جزء garak یعنی لازم و ضروری و yaraq از ریشه yaramaq به معنی مفید بودن می‌داند که در ترکیب به معنای حامل و رساننده ملزومات یا اسلحه است.

این اصطلاح که در کتاب‌های تاریخی عصر صفوی و حتی آق‌قویونلوها به کرات آمده، گویا حوزه وسیعی از تهیه و تدارک مایحتاج نظامی تا تهیه پارچه و ساز و برگ چرمینه قشون را دربرمی‌گرفت همچنین، با توجه به آنکه در تذکره‌الملوک همراه با اجناس تحویلی کرک‌پراقان، صاحبان حرف خیاطی، شعربافی و زین‌سازی هم یاد شده‌اند و با کرک‌پراقان ارتباط یافته‌اند، می‌توان حدس زد این منصب برای تأمین انواع مختلف پارچه و سایر اشیای مصرفی و قیمتی ایجاد شده است و کرک‌پراق‌ها، بصیرت و تخصص والایی در شناسایی کالا داشتند بدین ترتیب، در ولایات خاصه همگام با وزرا و عمال، دیوانی که موظف به تهیه مایحتاج دربار بودند، کرک‌پراق‌ها نیز به عنوان متخصصان پارچه، مأمور تشخیص مرغوبیت کالا و ارسال آن به حکومت مرکزی بودند.

وجود چنین منصبی را در یزد از دو وجه می‌توان محل توجه قرار داد: کیفیت محصولات و قراردادن در حوزه اراضی خاصه که گویی کرک‌پراق‌ها بخشی از مالیات منطقه را از طریق پارچه تأمین می‌کردند. بر این اساس، اشاره جامع مفیدی به فردی با نام میرزا خلیل‌اله که در ۱۰۳۴ قمری، مقام «جلیل‌المرتبه وزارت و کرک‌پراقی و تصدی خالصه و حکومت مجوسیان و مهم استیفای دارالعباد یزد» را دریافت نمود، مشعر بر آن است که این منصب در ردیف وزارت و استیفا به نوعی ب امور مالی سر و کار داشته است.

بدین ترتیب، اگر بپذیریم با توجه به اشتغال اکثریت اهالی، بخشی از مالیات یزد را کرک‌پراق‌ها با دریافت پارچه تأمین می‌کردند، آنگاه نمی‌توان ادعای مستوفی بافقی در ایجاد این منصب را در سال ۱۰۳۴ قمری پذیرفت؛ چنان‌که اطلاعات سایر منابع نیز مبین آن است که پیش از این، در زمان شاه طهماسب اول، میرزا ابوطالب، از سادات برجسته کاشان و محمدی خان کُرج در ۹۹۹

قمری از سوی شاه عباس به «وزارت کرک‌پراقی دارالعباده یزد رسیده بودند.

به هر روی، وجود شرایط مطلوب در تأمین ابریشم مورد نیاز، تعدد کارگاه‌های نساجی و مهارت نساجان در طراحی و بافت فنی پارچه، باعث شد تا یزد نه تنها به عنوان یکی از مراکز تهیه ملبوسات درباریان و امرا به شهرت رسد، بلکه با رونق تجارت به ویژه در پادشاهی شاه عباس اول، پارچه به یکی از مهم‌ترین کالاهای صادراتی یزد تبدیل شود.

مطابق با طومار فهرستی از کاروان‌سراهای موجود در اصفهان که در آن به اسامی چندین کاروان‌سرای یزدی نیز اشاره شده است، می‌توان به تنوع پارچه‌های صادراتی یزد پی برد.

بنا بر اطلاعات منبع یادشده، در کاروان‌سرای یزدیان، واقع در میدان شاه «بزازان دولتمند حجره داشتند و متاع‌های خوب، از زربفت و مندیلهای زرتار و هر جنس پارچه عرضه می‌کردند.

همچنین، در کاروان‌سرای خواجه محرم، واقع در میدان شاه، پارچه‌هایی چون الجه و تفصیله و در کاروان‌سرای بازار سراجان، پارچه‌ای موسوم به «آستر یزدی» به معرض فروش گذاشته می‌شد.

۵- پارچه‌های یزد از حیث طرح و سبک

با شکل‌گیری همکاری میان نقاشان و طراحان پارچه، از دوران ایلخانی و رشد این فرایند، با تأسیس مراکز فرهنگی هنری در شهرهای تبریز، هرات و سمرقند در عصر تیموری میراث مذکور در دوران صفوی به عالی‌ترین سطح خود ارتقا یافت بدین ترتیب، تمایل شدید طراحان به جنبه تصویری و نقش و نگار، به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نساجی عصر صفوی تبدیل شد و با تزئین منسوجات به نقش گل‌ها و شاخ و برگ گیاهان، نخل‌های بادزنی، چشم‌انداز گلزارها، پرندگان، آهوها و نقش ابرهای چینی، طراحی پارچه در سه دسته تصویر انسان، زری نوشته دار و داستان نمودار گردید.

از طرح تصویر انسان غالباً برای تزئین پرده استفاده می‌شد؛ از زری نوشته‌دار برای روپوش قبور یا پرده‌هایی که مقبره‌ها یا اماکن مقدس را پوشش می‌داد و در طرح داستان، استفاده از قصه‌های رزمی



* طرح پیچک شیپوری سفید و مزین به گل‌های سرخ

* تغییر شکل در طرح پارچه‌های مخمل که عمدتاً شامل گیاهان تخیلی بوده و منشأ اغلب آنها بوته‌های پیچک بود.

* استفاده از نقوش پیچک نیمه‌طبیعی و نیمه‌تخیلی در اندازه‌های بزرگ بر روی پارچه‌های مخمل با زمینه سرخ. عظمت این کار در آنجاست که نه تنها هیچ‌گونه ناهنجاری در این طرح به چشم نمی‌خورد، بلکه دارای نوعی حالت موزون بوده و این خصیصه به واسطه استفاده از مواد اولیه مرغوب، به مراتب افزایش یافته است.

* پُرزدار کردن زمینه پارچه و به کارگیری نقوش فاقد پرز بر روی آن، که نوعی حالت تکمیلی و جالب توجه به طرح پارچه می‌داد.

* پیاده کردن طرح‌های گیاهی بر روی پارچه‌ای که در بافت زمینه آن از نخ‌های نقره‌ای استفاده می‌شد. در این طرح، پارچه به وسیله دستگاه‌های بافندگی معمولی و به شیوه مرکب بافته شده و تمایز آن با نمونه بافت اصفهان و کاشان در پهن تر بودن پودهای به کار رفته بود.

قضاوتی بیشتر در قیاس با عصر طلایی نساجی یزد، به روزگار شاه عباس اول مصداق می‌یابد. از این گذشته، ارائه طرح‌های بدیع در کارگاه‌های غیردولتی که استادکار می‌توانست به دلخواه، نقاشی را به استخدام درآورد و حتی احتمال عرضه برخی نقوش به کارگاه‌های سلطنتی، باعث شد تا در دوران مذکور، پارچه‌هایی به سبک و نقشه پارچه‌های تولیدی یزد به سایر نقاط ارسال گردد به هر روی، در تصویری کلی، برجسته ترین ویژگی طرح‌های یزد را می‌توان در موارد زیر بیان داشت:

* استفاده از تصویر زنبور بر روی پارچه‌ای به نام «صالحه» که بافتی دولا داشته و در میان طرح‌های هم‌زمان با خود مبین ابتکار خاص هنرمند است

* طرح بوته پیچک که به حالت یکی در میان با تصاویر، تکمیل می‌گردید.

* طرحی که در آن پودها به سمت پشت پارچه با استفاده از نخ‌های ضخیم و شل‌باف برگشته و ضمن ارائه ظاهری بسیار ظریف و زیبا، ویژگی مختص یزد به شمار می‌رفت.

و بزمی مقتبس از دواوین شعری، مورد توجه بود بر این اساس، هرچند طراحان یزدی نیز همگام با ظهور سبک‌های هنری در طراحی پارچه، با ارائه الگوهایی خاص، باعث شناسایی منسوجات خود شدند؛ در مجموع، نمی‌توان کل طرح‌های آنها را بدیع و مختص به یزد دانست.

به عبارت بهتر، از آنجاکه بخشی از نقوش یزد برگرفته از آثار طراحان تبریز بود، ناپایداری اوضاع این شهر تا دوران شاه‌عباس و کمبود الیاف و قطع ناگهانی کارهای پیشین، نه تنها موجب انحطاط پارچه‌های اطلسی مشهور تبریز شد، بلکه به تبع آن، کارگاه‌های یزد نیز که مهم‌ترین خریدار نقوش تبریز بودند، از طرح‌های جدید محروم شدند.

این موضوع به همراه وابستگی بافندگان یزدی به حکومت مرکزی، و ارائه نقوش مورد نظر از طریق کارگاه‌های سلطنتی، باعث رکود و تکرار طرح‌های قدیمی تا سال ۹۹۳ قمری شد.

در واقع، هرچند به واسطه عوامل یاد شده، یزد نیز همچون دیگر مراکز نساجی ایران دچار رکودی چشمگیر در طراحی پارچه گردید، پذیرش چنین

آگهی فروش ماشین آلات

یک دستگاه خط تولید نو الیاف پلی‌استر سالیید و هالو ری‌سایکل و ویرجین به همراه تمامی تاسیسات، هوای فشرده، بویلر هوا، روغن و آزمایشگاه به ظرفیت سی‌تن کشش و بیست تن ذوب‌ریسی به فروش می‌رسد.

شماره تماس: ۰۹۱۲۵۲۳۵۵۰۱